

فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ اسلام

سال هجدهم، شماره هفتادویکم

پاییز ۱۳۹۶

اصحاب قمی امام هادی علیه السلام و نقش آنان در گسترش اندیشه شیعی

تاریخ دریافت: ۹۶/۶/۲۱

تاریخ تأیید: ۹۶/۸/۱۱

سید حسن قریشی کرین^۱

خدیجه پهلوانی^۲

قم، یکی از پُرسابقه‌ترین مراکز شیعه‌نشین در ایران است. مرکزیت قم برای شیعه، زمینه‌ساز سفر علمای بزرگ شیعی به قصد فراگیری علوم اهل بیت علیهم السلام و شنیدن احادیث آنان از طریق محلاتان قم شد. این شهر به علت قرارگرفتن در کانون تشیع، ارتباط با علویان و گروه‌ها و مناطق مختلف شیعی، با داشتن مرقد منور حضرت معصومه علیها السلام و تأسیس مکتب حدیثی، از شهرهای پیشتان در بسط اندیشه امامیه بود.

این پژوهش، با استفاده از روش تاریخی به شیوه توصیفی-تحلیلی، ضمن بررسی جایگاه قم در رشد و توسعه دستاوردهای حدیثی و مبانی اعتقادی شیعه، به تبیین زندگی، نقش و عملکرد اصحاب قمی امام هادی علیه السلام پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که ابراهیم‌بن‌هاشم قمی، احمدبن اسحاق قمی، احمدبن حمزه قمی، احمدبن محمد اشعری، عبدالله‌بن‌جعفر حمیری قمی، حسن‌بن‌خُرّازد قمی و محمدبن‌احمد قمی، از مشهورترین اصحاب قمی امام

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور، رایانامه: shquorishi@gmail.com

۲. کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه پیام نور، رایانامه: kh.p2850@gmail.com

هادی علیه السلام می‌باشند که با نگارش آثار علمی و اعتقادی و طرح مباحث حدیثی و کلامی، توانستند در انتقال فرهنگ و اندیشه شیعی به دیگر مناطق و جلوگیری از غلو و آرای واقفیه و نیز شکل‌گیری تشکیلات نقابت سادات، مساجد جدید و مکتب حدیثی قم، نقش مهمی ایفا کنند.

کلیدواژگان: امام هادی علیه السلام، حضرت معصومه علیها السلام، اصحاب ایرانی ائمه علیهم السلام، تاریخ

تشیع.

مقدمه

پس ورود اسلام به ایران، قم بعد از کوفه، یکی از پایگاه‌های تشیع محسوب گشت که از این پایگاه، تشیع به دیگر مناطق گسترش یافت. در اواخر قرن اول هجری، با مهاجرت اعراب مسلمان، مانند: آل ابی‌دلف، آل عجل، عرب بنی‌اسد و اعراب اشعری به قم و سکونت در حومه و مرکز شهر، پس از مدتی کشمکش، مردم قم مذهب شیعه را پذیرفتند و اشعریان با سلطه بر منافع اقتصادی قم، حیات سیاسی این شهر را به تدریج به دست گرفتند و نوعی شبه‌حکومت قبیله‌ای یا شبه‌دولت شهر در قم دائر کردند و با ایجاد ارتباط با خلیفه عباسی، هارون الرشید، سلطه اداری و تشکیلاتی را نیز در قم به دست آوردند. به دنبال سلطه اداری و اقتصادی و سیاسی اعراب اشعری، نوعی تشیع امامی - سیاسی در قم ایجاد شد. قبایل اشعری برای اعلام حاکمیت و موجودیت رسمی خود، نوعی تشکیلات ساده اداری و حتی پرچم داشتند.^۱ آنان به تأسیس حوزه علمیه قم، تربیت نخبگان مذهبی، سیاسی و اجتماعی، پدیدآوری آثار مکتوب و تبلیغ و نشر تشیع همت گماشتند. پس از ورود حضرت معصومه علیها السلام و مهاجرت انبوه شیعه امامی به قم، تشیع قم از مرحله سیاسی به مرحله عقیدتی راه پیدا کرد. شیعه امامی و علمای پیرو آن، تا نیمه قرن سوم همچنان

۱. حسن‌بن محمد قمی، تاریخ قم، ص ۲۸۲.

به عنوان یکی از مذاهب حاکم در قم که پیروان بسیاری در خارج از قم داشت، زندگی می‌کردند. در زمان امام هادی علیه السلام، قم، یکی از مهم‌ترین مراکز تجمع شیعیان ایران در کنار مناطقی چون: ری، آوه، کاشان، طبرستان و خراسان بود و روابط محکمی میان شیعیان این شهر و ائمه علیهم السلام وجود داشت. قم با داشتن صحابی امامان، به مرجعی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی معرفی می‌شدند^۱ و دیگر صحابی یا محدثان برای اطمینان بیشتر، آثار نوشته‌شده در زمینه روایی را به قم ارجاع می‌دادند.^۲ این شهر به علت گرایش به اعتدال و دوری‌گزیدن از غلو، مورد توجه امامان شیعه بود و یاران قمی در مبارزه با گرایش‌های انحرافی (فطّحی، زیدی و واقفی) و غلوآمیز با نوشتن آثاری در زمینه فضایل امیر مؤمنان علیه السلام نقش داشتند.^۳ البته قم زمینه غلو را از بین برد و امام هادی علیه السلام با غالبان سخت برخورد کرد و آنان را طرد و لعن نمود.^۴

بر اساس منابع رجالی، به‌ویژه شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، یاران ایرانی امام هادی علیه السلام را بالغ بر ۱۸۵ نفر ذکر کرده‌اند که برخی از آنان، قمی بودند.^۵ تعیین دقیق اصحاب قمی،

۱. روزی وقتی زکریا بن آدم قمی قصد ترک همیشگی شهر قم را داشت، امام رضا علیه السلام از او خواست که چنین نکند. این امر، شاهی است بر عنایت امام هشتم علیه السلام به مرجعیت یافتن زکریا در میان شیعیان قم و مناطق مجاورش، و شاید بتوان آن را جوانه نخستین حوزه علمیه شیعه دانست. (کشی، اختیار معرفه الرجال، ص ۴۹۶؛ محمد هادی خالقی، «نخستین حوزه غنی و مستقل شیعه»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۲۴)

۲. به عنوان نمونه، حسین بن روح نوبختی، صحابی امام عسکری علیه السلام، بزرگ شیعیان بغداد و نایب سوم امام زمان علیه السلام، کتاب التّادیب را به همراه نامه‌ای به قم فرستاد تا فقیهان این شهر درباره درستی مطالب آن بر مذهب اهل بیت علیهم السلام نظر دهند. (محمد بن حسن طوسی، الغیبه، ص ۳۹۰)

۳. نجاشی، رجال، ص ۱۸۳؛ طوسی، الفهرست، ص ۸۹.

۴. امام بدعت‌گذاران قمی، مانند علی بن حسکه قمی و ابن بابای قمی را لعنت و طرد نمود. (کشی، رجال کشی، ص ۵۱۸، ش ۹۹۶؛ همان، ص ۵۲۰، ش ۹۹۹)

۵. رک: شیخ طوسی، رجال الطوسی.

به علت انتساب آنان به برخی قبایل عرب و یا مناطق دیگر جهان اسلام، کار دشواری است؛ ولی با مراجعه به کتب رجالی و منابع تحقیقاتی، تعداد یاران قمی امام هادی علیه السلام را ۱۱، ۱۲، ۱۹^۲ و ۲۰^۳ نفر نوشته‌اند و بیشتر آنان، اشعریانی بودند که به علت سکونت طولانی در قم، به قمی مشهور شدند. اصحاب قمی امام هادی علیه السلام مانند ابراهیم بن هاشم کوفی و فرزندش علی، در نشر احادیث کوفیان و انتقال میراث علمی آنان در قم نقش داشتند^۴ و اموال، شامل: خمس، نذور، هدایا و جواهرات و اخباری درباره وضعیت آن سامان را به امام می‌رسانیدند.^۵

بررسی زیست‌نامه، اقدام‌ها و عملکرد صحابی قمی امام هادی علیه السلام و نقش آنان در توسعه تشیع، از مهم‌ترین مسئله این تحقیق می‌باشد. پرسش این است که آنان با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی دوره امام هادی علیه السلام (۲۱۲-۲۵۴ق)، از چه شیوه‌ای برای تبلیغ تشیع بهره بردند؟ و چه نقشی در توسعه اندیشه شیعی داشتند؟ فرضیه تحقیق نشان می‌دهد اصحاب قمی امام با تبیین اندیشه شیعی و انتقال آن به نسل پس از خود و دیگر مناطق جهان اسلام و نیز با تألیف کتب حدیثی، اعتقادی و کلامی، در گسترش اندیشه شیعی نقش داشتند.

۱. عزیزالله عطاردی، مسند الإمام هادی علیه السلام، ص ۳۰۹ - ۳۷۷.

۲. ر.ک: اللجنته العلمیه فی مؤسسه ولی العصر، موسوعه الإمام الهادی علیه السلام.

۳. باقر شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۲۵۲ - ۳۱۷.

۴. عبدالحسین شبستری، النور الهادی الی اصحاب الامام الهادی علیه السلام، ص ۲۱ - ۳۰۰.

۵. نجاشی، رجال، ش ۱۸.

۶. علی بن مهزیار از احمد بن حمزه نقل می‌کند: به حضرت امام هادی علیه السلام گفتم: در شهر ما چه بسا افرادی اموالی برای آل محمد صلی الله علیه و آله وصیت می‌کنند و آن اموال را نزد من می‌آورند. من دوست دارم آن اموال را با اذن شما، به خدمت شما بیاورم. امام فرمود: نزد من بیاور و خود را در معرض خطر دشمنان قرار مده. (شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۵۸، ح ۳)

در زمینه مورد بحث، پژوهش مستقلی نوشته نشده است؛ به جز منابع رجالی شیعه و کتاب تاریخ قم نوشته حسن بن محمد بن حسن قمی (نوشته در ۳۷۸ق)؛ هرچند اشارات و تحلیل‌های بسیار مفیدی در برخی منابع عرضه شده است؛ همچون: تاریخ مذهبی قم از علی اصغر فقیهی، و قم‌نامه از سید حسین مدرسی طباطبایی، گنجینه آثار قم از عباس فیض، مسند الامام هادی علیه السلام عزیزالله عطاردی، النور الهادی *إلی أصحاب الإمام الهادی* اثر عبدالحسین الشبستری، زندگانی امام هادی علیه السلام نوشته باقر شریف قرشی، مکتب حدیثی قم از محمدرضا جباری و چند مقاله در مورد خاندان اشعری با عنوان «شجره علمی خاندان اشعری قم»^۱ و «رجال الأشعریین من المحدثین وأصحاب الأئمة علیهم السلام»^۲.

قم پایگاه تشیع و جایگاه شیعیان

انتقال امام هادی و عسکری علیهم السلام به سامرا و سپس انتقال مرکز استقرار نواب ناحیه مقدسه به بغداد، موجب شد که بغداد به محل تجمع و ارتباطات شیعیان و نیز مرکزی برای نقل و سماع احادیث اهل بیت علیهم السلام تبدیل شود و محله‌های مخصوص شیعه‌نشین در بغداد، کانون عرضه نقل حدیث گردید. همراه با فعالیت مراکز حدیثی در بغداد، دو مرکز مهم شیعه‌نشین قم و ری در ایران پدید آمد و به تدریج جای خود را به عنوان مهم‌ترین مراکز حدیثی شیعی در قرن دوم به بعد، در میان محدثان شیعی باز کرد. در قرن دوم و سوم، کثرت ارتباطات شیعیان قم با ائمه اهل بیت علیهم السلام سبب گردید تا جایگاه قم به عنوان پایگاه تشیع مورد توجه قرار گیرد و وجود شرایط خاص حاکم بر قم، موجب شکل‌گیری نوعی حدیث‌گرایی یا اخباری‌گری در این حوزه حدیثی در مقابل مردم بغداد شد.^۳

۱. محمد حاج‌تقی، «شجره‌های علمی خاندان اشعری قم»، مجله علوم حدیث، ش ۵، ص ۲۰۵ - ۲۳۴.

۲. رک: شیخ جعفر مهاجر، رجال الأشعریین من المحدثین واصحاب الأئمة.

۳. آندروجی نیومن، دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، ص ۷۷.

مهم‌ترین منابع در مورد موضوع مورد تحقیق، نوشته آندره نیومن است که در آن، به حدیث‌گرا بودن مردم قم اشاره شده است.

هجرت حضرت معصومه علیها السلام، زمینه مهاجرت علویان و بعضی از اصحاب امامان را به قم فراهم نمود. یکی از ساداتی که به قم آمد، محمد، پسر موسی مبرقع، نوه امام جواد علیه السلام و جد سادات رضوی قم است که به سال ۲۵۶ هجری با خواهرانش به قم هجرت کرد.^۱ کثرت مقابر و مزارات امامزادگان در قم و حوالی آن، نشان از ارجحیت قم توسط سادات نسبت به دیگر مناطق است. یکی از عوامل گسترش و تعمیق تشیع در ایران و به‌ویژه قم، شاگردان و اصحاب ائمه بزرگوار علیهم السلام و عالمان تربیت‌یافته در این مکتب بوده‌اند. در کتب رجالی شیعه امامی، از تعدادی اعراب اشعری با عنوان صحابی ائمه شیعه امامی یاد شده است. این گروه، نقش اساسی در گسترش مبانی تشیع در قم ایفا کردند. آنان در سال ۸۲ق به قم آمدند.^۲ ارتباط مردم نیز با یاران ائمه و خود امامان شیعه علیهم السلام قابل توجه بود. آنها اولین کسانی بوده‌اند که برای ائمه علیهم السلام خمس می‌فرستادند. از مجموع ۱۴۷ صحابی قمی و ۶۲ صحابی قمی ثقه شناسایی شده، ۵۷ تن اشعری‌اند که بیش از نیمی از آنان، «ثقه» شمرده می‌شوند. ۹۰ صحابی دیگر، مربوط به بقیه خاندان‌های قم می‌باشند.^۳ اصحاب قمی امام هادی علیه السلام نقش ارزنده‌ای در تاریخ تشیع داشتند؛ زیرا با حفظ دستاوردهای شیعیان، مکتب حدیثی قم را احیا و سازمان‌دهی کردند.

۱. ابن طباطبا، *منتقلة الطالبية*، ص ۲۵۳؛ حسن بن محمد قمی، *تاریخ قم*، ص ۲۱۲ - ۲۱۳.

۲. حسن بن محمد قمی، *تاریخ قم*، ص ۲۴۲.

۳. محمد حاجی تقی، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، *علوم حدیث*، ش ۵، ص ۲۳۱؛ همو، «سیر تاریخ فقها و محدثان قمی (۱)»، نامه قم، ش ۱ و ۲، ص ۹۹.

مهم‌ترین اصحاب قمی امام هادی علیه السلام

در اینجا، به معرفی مهم‌ترین اصحاب قمی امام هادی علیه السلام می‌پردازیم.

• ابراهیم بن هاشم قمی (م حدود سال ۲۶۰ق)

ابراهیم بن هاشم قمی، مشهور به ابواسحاق، از علما و محدثان شیعه در اواخر قرن دوم هجری و از محدثان و عالمان شناخته‌شده شیعه است.^۱ تاریخ ولادت ابراهیم در کتب رجال و تاریخی، به طور دقیق مشخص نیست. برخی ولادت او را در اواخر قرن دوم هجری، در ایام ولادت امام کاظم علیه السلام و در شهر کوفه دانسته‌اند.^۲

نقش و فعالیت علمی

ابراهیم بن هاشم قمی، از مشهورترین راویان شیعی است که از امام صادق علیه السلام تا امام حسن عسکری علیه السلام روایت نقل کرده است و نقش مهمی در ضبط و ثبت روایات ائمه معصوم علیهم السلام دارد. وی از جمله راویانی است که در روایتش از ائمه علیهم السلام پراکندگی نظر فراوانی وجود دارد. در منابع حدیثی شیعه، روایتی از امام کاظم علیه السلام^۳ و امام رضا علیه السلام^۴ توسط او نقل شده است. برخی او را شاگرد یونس بن عبدالرحمن (م ۲۰۸ق)^۵ از اصحاب ممتاز امام رضا و امام جواد علیهم السلام و از مشایخ حدیث می‌دانند.^۶ بسیاری از محدثان بزرگ، به ثقه بودن ابراهیم بن هاشم تأکید دارند؛ چنان که محقق اردبیلی (م ۹۹۳ق)، بحرانی (م ۱۱۸۶ق) و

۱. نجاشی، رجال نجاشی، ص ۱۶؛ سید محمدعلی موحد ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ص ۲۷۵.

۲. سید محمدعلی موحد ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، همان.

۳. رک: حسین بروجردی، بهجة الآمال فی شرح زبدة المقال، ج ۱.

۴. محمدتقی شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۳۲۴.

۵. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۳۹.

۶. همان، ج ۱، ص ۴۰.

بحرالعلوم (م ۱۲۱۲ق)، او را از زمره موثقان دانسته‌اند.^۱ شیخ بهایی (م ۱۰۳۱ق) و پدر بزرگوارش (م ۹۸۴ق)، حدیث او را صحیح می‌دانند.^۲

مهم‌ترین عملکردهای ابراهیم‌بن‌هاشم عبارت‌اند از:

۱. برقراری ارتباط بین حوزه‌های قم و کوفه

ابراهیم‌بن‌هاشم قمی، نقش مهمی در ارتباط و اتصال حوزه‌های علمیه قم و کوفه داشته است.^۳ کشی (م حدود ۳۴۰ق)، نجاشی (م ۴۵۰ق) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ق) در کتب رجالی خود، وی را این‌گونه توصیف کرده‌اند:

او، اوّلین کسی است که حدیث کوفیان را در قم منتشر کرد.^۴

وی پس از فراگیری علوم و کسب احادیث از مشایخ حدیثی، به قصد انتشار اخبار اهل بیت علیهم السلام در قم، از کوفه به این شهر مهاجرت کرد و به ترویج مکتب حدیثی خویش (کوفه) در قم همت گماشت. محمدباقر بهبودی در این باره می‌گوید:

او رشته‌های مختلف حدیث را از اینجا و آنجا تحصیل کرد و سپس به قم آمد، تا که قم را از حدیث اهل بیت علیهم السلام غنی سازد. او بعد از تحصیل حدیث از کوفیانی چون ابن‌محبوب (م ۲۲۴ق) به بغداد رفت و حدیث بغدادیان را از هرکسی که در آنجا صاحب کتاب و دانشی بود، فراگرفت و از مشایخ شام، عراق، کاشان، اصفهان، اهواز، ری، نیشابور، همدان، کرمان و... هرجا که بود، بهره‌ها گرفت.^۵

۱. بحرالعلوم، رجال السید بحرالعلوم، ج ۱، ص ۴۵۳ و ۴۶۲.

۲. عبدالله مامقانی، تنقیح المقال، ج ۱، ص ۴۰.

۳. سید محمدعلی موحد ابطحی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، ص ۲۷۵.

۴. نجاشی، رجال، ش ۱۸.

۵. محمدباقر بهبودی، علم رجال و مسئله توثیق، ص ۲۸.

۲. ترویج تعالیم اهل بیت علیهم السلام

ابراهیم بن هاشم قمی، در راه ترویج تعالیم اهل بیت علیهم السلام از والامقامترین روات و دارای منزلتی عظیم در میان محدثان است. وی پرچمدار نهضت حدیثی در میان راویان و محدثان حوزه درسی قم است و در میان روات، دارای بیشترین و متنوعترین روایات در ابواب فقهی و اخلاقی است^۱ و کمتر بابی است که از روایات او تهی باشد.^۲ آیت الله خوئی، روایات او را افزون بر ۶۴ حدیث، و اساتید و مشایخ او را بیش از ۱۶۰ نفر ذکر نموده است.^۳ بحر العلوم، وی را با عباراتی چون: کثیر الروایة،^۴ واسع الروایة^۵ و مقبول الحدیث^۶ می ستاید.^۷

۳. تأسیس مکتب حدیثی

ابراهیم بن هاشم، یکی از پرورش یافتگان مکتب حدیثی عراق است که برای نشر احادیث کوفیان در قم، تلاش بسیاری نمود و او را می توان از بنیان گذاران مکتب حدیثی جدید در قم دانست. سابقه حدیثی قم، به نیمه اول قرن دوم هجری باز می گردد. از اوایل قرن سوم به بعد، از نظر شیوه برداشت از احادیث و نیز ورود غلات در کوفه، منازعه ها و اختلاف های علمی بین قم و کوفه روی داد و حوزه قم برای مصون ماندن از آسیب های این جریان، به سخت گیری در معیارهای پذیرش روایات و اصول جرح و تعدیل روی آورد

۱. ابوالقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۳۱۲ - ۳۱۸.

۲. بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۹.

۳. همان، ص ۳۱۷.

۴. به کسی که از ائمه معصومین علیهم السلام زیاد روایت نقل کرده و در روایت ثقه و عادل است کثیر الروایة می گویند. جدیدی نژاد، معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۱۲۹.

۵. در نقل روایت، به کسی که احادیث نقل شده از او دارای اعتبار و حسن بوده و دارای اعتبار می باشد واسع الروایه یا طریق الروایه می گویند. همان، ص ۱۸۵.

۶. کسی که در روایت احادیث ائمه علیهم السلام شرایط عدالت، وثاقت و صداقت را دارا باشد، مقبول الحدیث می گویند. همان، ص ۱۷۰.

۷. بحر العلوم، رجال السید بحر العلوم، ج ۱، ص ۴۳۹.

و حتی مشایخ قم، برخی افراد را به اتهام غلو، از قم بیرون راندند. در این میان، فعالیت و تلاش ابراهیم بن هاشم، به عنوان یکی از پرورش یافتگان مکتب حدیثی عراق برای نشر احادیث کوفیان در قم، اهمیتی بسزا می‌یابد و می‌توان او را بنیان‌گذار مکتب حدیثی جدید در قم دانست.

۴. تألیف کتاب

بر مبنای آثار علمای رجال از ابراهیم بن هاشم، دو کتاب *قضایا امیر المؤمنین علیه السلام و النوادر* نام برده شده^۱ که هر دو اثر، به جهت حوادث روزگار از بین رفته و به دست ما نرسیده است.^۲ او احادیثی از امام هادی علیه السلام درباره تفسیر و ایمان و نذور نقل کرده است.^۳ تاریخ وفات ابراهیم بن هاشم، به طور دقیق مشخص نیست؛ چون وی از امام جواد علیه السلام، امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام روایت دارد^۴ و از شاگردان آنان محسوب می‌شود. وفات او را حدود سال ۲۶۰ ق اواخر نیمه اول و اوایل نیمه دوم قرن سوم دانسته‌اند و محل مدفن وی نیز شهر قم می‌باشد. امروزه نشانی از قبر او موجود نیست.^۵

• احمد بن اسحاق قمی (م ۲۶۰ ق)

ابوعلی احمد بن اسحاق قمی، فقیه، محدث و از اصحاب امام جواد و امام هادی علیه السلام و وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در اموال موقوفه قم و یکی از دیدارکنندگان با امام

۱. ابوالفرج محمد بن اسحاق (ابن ندیم)، *الفهرست*، ص ۲۷۷؛ احمد بن حجر عسقلانی، *لسان المیزان*، ج ۱، ص ۱۱۸، ش ۳۶۷.

۲. بحر العلوم، *رجال السید بحر العلوم*، ج ۱، ص ۴۳۹؛ موحد ابطحی، *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*، ج ۱، ص ۴۴.

۳. عزیزالله عطاردی، *مسند الإمام الهادی علیه السلام*، ص ۳۱۲.

۴. عبدالله مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۱، ص ۲۷۶.

۵. مجید عارف، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، ص ۳۳۱.

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۹۱، ش ۲۲۵؛ اللجنة العلمية فی مؤسسه ولی العصر، *موسوعة الإمام الهادی علیه السلام*، ج ۴، ص ۴۱.

عصر علیه السلام،^۱ در حدود ۱۹۰ ق در قم چشم به جهان گشود. وی مدتی پس از وفات امام حسن عسکری علیه السلام زنده بوده و دوران کهولت و پیری اش را می گذراند. در گزارشی از حسین بن روح قمی - که در رجال کشی آمده است - می خوانیم:

وی پس از وفات حضرت عسکری علیه السلام، نامه ای به امام عصر علیه السلام نوشت و اجازه خواست تا به حج سفر کند. حضرت نیز ضمن اجازه، پارچه ای برای او فرستاد. وی با دیدن پارچه، گفت: امام [با این کار،] خبر وفات مرا داده است. وی هنگام بازگشت از حج در «حلوان» (واقع در سرپل ذهاب، از توابع استان کرمانشاه) درگذشت.^۲

اکنون، قبر او در سرپل ذهاب پابرجاست.^۳

احمد بن اسحاق در یک خانواده مذهبی و علمی در قم پرورش یافت و چون پدرش، اسحاق بن عبدالله قمی، اهل دانش و از اصحاب امام کاظم علیه السلام بود، او را از محدثان این دوره و از اصحاب آن امام علیه السلام به شمار آورده اند. او ناظر اوقاف در قم بود.^۴ احمد بن اسحاق در عصر امام هادی علیه السلام که دوران میان سالی خود را سپری می کرد، مسافرت هایی به بغداد، کوفه و سامرا داشت و چندین نوبت نیز خدمت امام هادی علیه السلام شرفیاب شد و پرسش هایی را که از آن امام می نمود، در کتابی گردآوری کرد. وی طی مسافرت هایش به عراق، با استادان متعددی ملاقات داشت و از آنها حدیث شنید.^۵ امام علیه السلام به ثقه بودن او تأکید داشت.^۶

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۳.

۲. محمد بن عمر کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۷، ح ۱۰۵۲.

۳. شیخ جعفر مهاجر، رجال الأشعریین من المحدثین وأصحاب الائمة، ص ۳۱.

۴. همان، ص ۳۰.

۵. کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۷۳، ش ۱۷۴؛ طوسی، رجال، ص ۳۷۳، ش ۵۵۲۶؛ همان، ص ۲۸۳،

ش ۵۶۴۳؛ همان، ص ۳۹۷، ش ۵۸۱۷.

۶. کشی، اختیار معرفة الرجال، ص ۵۵۷، ح ۱۰۵۳.

احمد بن اسحاق در عصر امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان وکیل آن امام در قم، مشغول خدمت بود و خانه اش در قم محل رجوع علما، فقها و مردم عادی بود. به همین دلیل، نجاشی او را «وافد القمیین» معرفی کرده است.^۱ گفته می‌شود: وی به دستور امام حسن عسکری علیه السلام مسجد بزرگی در قم بنا کرد که امروزه پابرجاست و به نام «مسجد امام» شهرت یافته است.^۲ به نظر می‌رسد که با تأسیس مساجد بزرگ یا جامع در این شهر، محدثان قم، مکتب حدیثی خاص خود را در این قرن سامان داده‌اند و طبعاً مجالس قرائت و سماع و املائی حدیث نیز داشته‌اند که شناخته‌شده‌ترین محل برای برگزاری چنین محاضری، در آن روزگار، مساجد بوده است.

احمد بن اسحاق در قم شاگردان متعددی تربیت کرد که مشهورترین آنها: سعد بن عبدالله اشعری (م ۳۹۹ق)، عبدالله بن جعفر حمیری (م بعد ۳۹۷ق)، محمد بن حسن صفار قمی (م ۳۹۰ق) و علی بن ابراهیم قمی (م حدود ۳۷۵ق) بوده‌اند.^۳ از تألیفات او، کتاب‌های: *علل الصوم*،^۴ *علل الصلاة و مسائل الرجال* (پرسش‌هایی از امام هادی علیه السلام درباره حال راویان) معرفی شده‌اند^۵ که از وی باقی مانده است.^۶

● احمد بن حمزه بن یسع بن عبدالله اشعری قمی (م نیمه دوم سده سوم هجری)

وی در اواخر سده دوم هجری در شهر قم به دنیا آمد و در شمار یاران امام هادی علیه السلام بوده است.^۷ او وکیل امام هادی علیه السلام در شهر قم بوده و وجوهات شرعی را به امام

۱. نجاشی، رجال، ص ۹۱ و ۱۰۱.

۲. عباس فیض، گنجینه آثار قم، ج ۲، ص ۶۷۴؛ محمد تقی بیگ ارباب، تاریخ دارالایمان قم، ص ۵۲.

۳. شیخ جعفر مهاجر، رجال الأشعریین من المحدثین وأصحاب الائمة، ص ۳۳.

۴. عطاردی، مسند الإمام الهادی علیه السلام، ص ۳۲۰.

۵. نجاشی، رجال، ص ۹۱.

۶. شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۲۵۷؛ به نقل از: طوسی، الفهرست.

۷. برقی، الرجال، ص ۵۹؛ اللجنة العلمية فی مؤسسة ولی العصر، موسوعة الإمام الهادی علیه السلام، ص ۴۵؛ شریف

قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۲۵۸.

می‌رسانده است و امام علیه السلام او را در ردیف بزرگانی همچون احمد بن اسحاق قمی، برجسته‌ترین روایتگر شیعه، قرار داده است.^۱ او چند بار موفق به ملاقات با امام هادی علیه السلام می‌شود و از محضر آن حضرت، بهره گرفته، بسیاری از مشکلات علمی و مسائل شرعی خویش را بدین گونه حل نموده است.^۲ بیشتر رجال‌شناسان، احمد بن حمزه را به عنوان محدثی مورد اعتماد و موجه یاد کرده‌اند. نجاشی می‌نویسد:

احمد بن حمزه، چهره‌ای بسیار بسیار موجه و بلندمرتبه است.^۳

علامه حلی او را چهره برجسته برمی‌شمرد و شیخ طوسی یادآوری می‌کند که احمد بن حمزه بن یسع قمی، مورد اعتماد و ثقة است.^۴ تنها کتاب وی که منابع رجالی آن را متذکر شده‌اند، *النوادر* است. نجاشی در آثار خود، از این کتاب نام برده است.^۵ احمد بن حمزه، محدث مورد قبول علمای شیعه و مورد عنایت و تأیید حضرت امام زمان علیه السلام بوده است.^۶ در مورد تاریخ وفات و محل دفن او، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما با توجه به منابع، او در نیمه دوم سده سوم هجری رحلت کرد و احتمالاً مانند دهها و صدها محدث قمی، در این شهر آرمیده باشد.

● احمد بن محمد بن عیسی اشعری قمی (م ۲۸۰ق)

از شاگردان امام جواد و هادی علیه السلام و از بزرگان اهل قم بود که شیخ طوسی از او با عنوان «بزرگ قمی‌ها و چهره درخشان و فقیه آنان» یاد کرده است.^۷ نجاشی او را «شیخ

۱. صدوق، کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۳۹.

۲. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۸۰، ح ۳۳.

۳. نجاشی، رجال، ص ۶۶.

۴. طوسی، رجال، ص ۳۸۳.

۵. نجاشی، رجال، ص ۶۶.

۶. شبستری، النور الهادی إلی أصحاب الإمام الهادی علیه السلام، ص ۴۱؛ طوسی، رجال، ص ۴۰۹.

۷. طوسی، الفهرست، ص ۲۵.

القمیین» و «وجه الأشاعره» خوانده است.^۱ احمدبن محمد به علت اقامت طولانی در قم، تنها گهگاهی با امام جواد و هادی علیه السلام ملاقات داشته و بدین جهت، احادیث چندانی از آنان روایت نکرده است.^۲ احمدبن محمد با حاکم قم در ارتباط بوده و این امر، نشان از مرتبه وی میان اهل قم دارد.^۳

عملکرد و اقدامات

۱. مبارزه با غلو و غالیان

احمدبن محمد، در عقاید بسیار سخت گیر بود و با غالیان به شدت برخورد می کرد. نقل شده که وی، حتی احمدبن محمد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق)، محدث مشهور امامی را به سبب روایاتی که نقل می کرد، از قم بیرون رانده بود؛ اما پس از مدتی، او را به قم بازگرداند و از وی عذرخواهی کرد.^۴ علی بن حسکه و قاسم یقطینی (ح نیمه اول قرن سوم)، سردمداران اصلی غلو در زمان احمد بودند. احمد در نامه‌ای به ائمه عصر خود، به ویژه امام حسن عسکری علیه السلام، عقاید غالیان را برای آنان فرستاد. وقتی امام حسن عسکری علیه السلام نامه احمد را دریافت کرد، چنین پاسخ داد:

این، دین ما نیست. از این سخنان، دوری بجوی.^۵

۲. مبارزه با جریان واقفیه

احمدبن محمد با ارسال نامه برای ائمه بعد از امام کاظم علیه السلام (امام رضا، امام جواد و امام هادی علیه السلام) و پرسیدن مسائل فقهی و غیر فقهی و ارجاع مردم به آنها، خط بطلانی بر مذهب واقفی‌ها کشید.^۶

۱. نجاشی، رجال، ص ۳۳۸.

۲. همان.

۳. همان؛ شریف قرشی، تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۲۵۹.

۴. ابن غضائری، کتاب الضعفاء، ص ۱۳.

۵. کشی، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۸۰۲ و ۸۰۳.

۶. رک: کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۲۰، ح ۲۰؛ شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۳۲، ح ۱۰۲.

۳. نقل حدیث

احمد از طریق مشایخ خود و برخی دیگر، راوی بسیاری از احادیث امامیه است و نام مشایخ او، مانند احمد بن محمد بن عمرو بن ابی نصر بزنطی (م ۲۲۱ق)، حسن بن سعید بن حماد اهوازی (م بعد از ۲۲۰ق)، حسین بن سعید اهوازی (م بعد از ۲۵۴ق)، حسن بن علی بن فضال کوفی (م ۲۲۴ق)، صفوان بن یحیی بجللی (م ۲۱۰ق) و عثمان بن عیسی عامری (م حدود ۲۰۳ق)، در رجال نجاشی و الفهرست طوسی به عنوان حلقه اتصالی میان احمد و مشایخ قدیم‌تر امامیه آمده است. در روایت حدیث، به گونه‌ای زیانزد بود که برخی علمای اهل سنت از نقش او یاد کردند. مؤلف لسان المیزان او را «شیخ الرافضة بقم» خوانده است.^۱ احمد سعی داشت که احادیث ثقه و صحیح را رواج دهد و از نشر احادیث ضعیف ممانعت می‌کرد. وقتی تشخیص داد احمد بن محمد بن خالد در نقل حدیث سهل‌انگار است و به روایات مرسل و ضعیف اعتماد می‌کند، او را از قم بیرون کرد و آنگاه که متوجه شد در روش خود اشتباه کرده یا مبانی علمی وی تغییر کرده، به دنبال وی رفت و با عظمت تمام او را به قم بازگرداند و زمانی که برقی از دنیا رفت، برای جبران اشتباه خود، با سروپای برهنه در تشییع جنازه او شرکت کرد.^۲ روایاتی که احمد بدون واسطه از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل کرده، بسیار اندک است؛ اما روایت نقل شده از طریق راویان دیگر، زیاد بوده است. مجموع احادیث احمد با واسطه و مستقیم، تا ۲۲۹۰ حدیث می‌رسد.^۳

۴. رهبری شیعیان قم

احمد بن محمد، رهبری شیعیان قم را بر عهده داشت. قدرت مذهبی و اجتماعی وی، بدان حد رسید که وقتی بر اساس وظیفه شرعی، برخی غالیان و مخالفان تشیع را از قم

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، ج ۱، ص ۲۶۰.

۲. اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۶۳.

۳. خوبی، معجم رجال الحدیث، ج ۲، ص ۳۰۹.

اخراج می‌کرد، احدی را توان اظهار مخالفت نبود^۱ و نیز او در مسائل شهری و حکومتی، در رأس تصمیم‌گیری بود.^۲

تالیفات

احمدبن محمد، دارای آثار متعدد و متنوع است. کتاب *الخطب*^۳ و کتاب *فضائل العرب* که به گفته کلینی، وی در این مورد گرفتار تعصب شده.^۴ *کتب النوادر*^۵، *التوحید*، *فضل النبی صلی الله علیه و آله*، *المتعفة*، *الناسخ والمنسوخ*، *الاطلة*، *المسوخ*، *حج*، *الطب الكبير*، *الطب الصغير*، *المکاسب*، *الملاحم* و *نوادر الحکمة فی التفسیر*^۶ از مهم‌ترین آثار اوست. تنها کتابی که از وی باقی مانده، کتاب *النوادر* است که یک بار به صورت سنگی همراه با کتاب *فقه الرضا*، در قم به چاپ رسیده است.^۷

در مورد تاریخ دقیق وفات احمدبن محمد قمی، اطلاع دقیقی در دست نیست. او در سال وفات برقی، یعنی سال ۲۸۰ق زنده بوده است.^۸ احتمال می‌رود که فوت او در دهه اخیر قرن سوم یا مقداری قبل از آن واقع شده باشد. در این صورت، عمر او به حدود ۹۰ سال خواهد رسید. از محل دفن او نیز اطلاع دقیقی در دست نیست. با این حال، چون قم محل اقتدار دینی و علمی او بود، احتمال می‌رود آرامگاه وی در همین شهر باشد.

۱. مامقانی، *تنقیح المقال فی علم الرجال*، ج ۱، ص ۹۲.

۲. قاضی نورالله شوشتری، *مجالس المؤمنین*، ج ۱، ص ۴۳۰.

۳. نجاشی، *رجال*، ص ۳۳۸.

۴. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۲۴.

۵. عبدالحسین شبستری، *النور الهادی إلى أصحاب الإمام الهادی علیه السلام*، ص ۴۱.

۶. نجاشی، *رجال*، ص ۵۹؛ *مجلسی*، *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۳۳ - ۳۴، ح ۱۶؛ *ابن شهر آشوب*، *معالم العلماء*، ص ۱۴.

۷. احمدبن محمد اشعری قمی، *النوادر*، قم: *مدرسة الإمام المهدي علیه السلام*، ۱۳۶۶ش.

۸. نجاشی، *رجال*، ص ۷۷.

• عبدالله بن جعفر حمیری قمی

وی، یکی از بزرگان و مرزداران مکتب شیعه است که در اوایل قرن سوم هجری قمی بین سال‌های ۲۲۰ تا ۲۴۰ق به دنیا آمد. حمیر، نام محلی در غرب صنعاست.^۱ او به دلیل اینکه از قم برخاسته بود، لقب قمی گرفت.^۲

عبدالله بن جعفر مورد وثوق علما و رجال یون شیعه بوده است. شیخ طوسی درباره او

می‌نویسد:

عبدالله بن جعفر حمیری قمی، مکتبی به ابوالعباس، و شخص تقه و مورد

اطمینانی است.^۳

نجاشی نیز او را بزرگ‌علمای قم و شخصیت برجسته آنها می‌داند.^۴ عبدالله از یاران امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام بوده^۵ و با آن دو امام همام، ارتباط نام‌های داشت و از امام هادی علیه السلام با عنوان «الرجل» نام برده^۶ و نیز از امام حسن عسکری علیه السلام با عنوان «ابی محمد» نام برده است.^۷

حمیری، نقش مهمی در روایت مکتوبات حدیثی محدثان قم داشته است^۸ و نام وی، در سلسله اسناد روایی بسیاری از آثار محدثان شیعی کوفه و مناطق دیگر دیده می‌شود.^۹ او برخی مکاتبات فقهی - کلامی بین امامان شیعه و اصحاب را گرد آورده و آثاری با این

۱. فیروزآبادی، قاموس اللغة، ج ۲، ص ۱۴.

۲. نجاشی، رجال، ص ۱۵۲؛ طوسی، الفهرست، ص ۱۰۲.

۳. طوسی، الفهرست، ص ۱۰۲.

۴. نجاشی، رجال، ص ۱۵۲.

۵. طوسی، رجال، ص ۴۱۹ و ۴۳۲.

۶. الرجل، در اصطلاح محدثان شیعه، به امام هادی علیه السلام اطلاق می‌شود.

۷. اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۴۷۹.

۸. طوسی، رجال، ص ۴۲۴.

۹. نجاشی، رجال، ص ۳۸، ۵۹، ۱۶۸، ۳۰۲ و ۴۳۰.

موضوع تألیف کرده است؛ به عنوان نمونه، در کتاب *مسائل الرجال و مکاتباتهم ابوالحسن الثالث* علیه السلام، نامه‌نگاری‌هایی بین برخی اصحاب امام هادی علیه السلام با ایشان را که غالباً مشتمل بر مسائل فقهی است، جمع آورده است.^۱

تالیفات

از عبدالله حدود پانزده تا بیست‌وشش کتاب در منابع رجالی نام برده‌اند؛^۲ از جمله: کتاب *الدلائل*، کتاب *الطلب*، کتاب *التوحید*، کتاب *الغیبة و قرب الإسناد*^۳ است. البته همه این آثار از بین رفته و تنها کتاب *قرب الإسناد*^۴ از او به جای مانده که یکی از منابع و مأخذ کتب اربعه شیعه را تشکیل می‌دهد. این کتاب، در زمان حیات آیت‌الله بروجردی با اشراف و مقدمه ایشان چاپ شد.

عبدالله، آثاری نیز در موضوع امامت تألیف کرده است. وی، کتاب مهمی با نام *الدلائل* داشته است که تا قرن هفتم موجود بوده و بهاء‌الدین اربلی (م ۶۹۳ ق)^۵ بخش‌هایی از آن را نقل کرده است.^۶ اثر دیگر او، کتاب *الغیبة* است که نجاشی از آن با نام *الغیبة والحیرة* یاد نموده است.^۷

۱. همان، ص ۲۲۰.

۲. طوسی، *الفهرست*، ص ۱۰۲؛ نجاشی، *رجال*، ص ۱۵۲.

۳. تهرانی، شیخ آقابزرگ، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، ج ۱، ص ۱۵۳؛ همان، ج ۱۷، ص ۶۸؛ خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱۰، ص ۱۴۱.

۴. *قرب الإسناد*، به آثاری اطلاق می‌شود که در آن، محدث، احادیث را با کوتاه‌ترین طریق تا معصوم روایت کند.

۵. ابوالحسن علی‌بن عیسی، مشهور به بهاء‌الدین اربلی، محدث، مورخ شیعی قرن هفتم و نویسنده کتاب *کشف الغمة فی معرفة الائمة* است.

۶. بهاء‌الدین اربلی، *کشف الغمة فی معرفة الائمة*، ج ۳، ص ۶۶، ۱۲۰، ۲۱۰ و ۴۰۴.

۷. نجاشی، *رجال*، ص ۲۱۹.

زمان رحلت عبدالله، نامعلوم است؛ احتمالاً زمان وفات ایشان، اواخر قرن سوم هجری بین سال‌های ۳۰۰ تا ۳۰۵ ق بوده باشد. محل دفن او نیز مشخص نیست.

• حسن بن خرزاد قمی (م حدود سال ۲۵۴ ق)

او به تناسب اینکه زادگاهش قم بوده، به «قمی» اشتهار داشت.^۱ تولد او حدود نیمه اول سده سوم هجری است. وی، یکی از راویانی است که بسیار روایت نقل کرده و «کثیر الروایة» لقب گرفته است.^۲ شیخ طوسی او را به عنوان یکی از راویان شیعی دانسته است^۳ و مؤلف کتاب *الجامع فی الرجال*، وی را یکی از محدثان بزرگ شیعی دانسته که اخبارش در نهایت خوبی و درستی است.^۴

خرزاد، مدت مدیدی از زندگی خود را در شهر قم سپری کرده است. او برای دیدار با امام هادی علیه السلام از قم به سامرا سفر نمود و خود را به محضر امام هادی علیه السلام رسانید و از محضر ایشان بهره‌مند شد و پس از مدتی اقامت در عراق، راهی دیار خود، قم شد. بعد از بازگشت به قم، سفرهایی را انجام داد. این بار به سوی ماوراءالنهر، قلمرو شرق آسیا هجرت نمود و از محدثان نام‌آور شیعی، همچون: عیاشی سمرقندی (م ۳۲۰ ق)، کشی و حسین بن اشکیب (م اواخر قرن سوم هجری) که در شهرهای سمرقند، مرو و کش^۵ زندگی می‌کردند، بهره برد. حسن بن خرزاد، به ماوراءالنهر رفت و در شهر تاریخی کش اقامت گزید. او به قدری در آن سرزمین توقف کرد که به عنوان محدثی که اهل شهر کش است، از او نام می‌برند.^۶

۱. همان، ص ۳۳؛ طوسی، *رجال*، ص ۴۱۳ - ۴۶۳.

۲. نجاشی، *رجال*، ص ۳۳.

۳. طوسی، *رجال*، ص ۴۱۳ و ۴۶۳.

۴. محمدتقی شوشتری، *قاموس الرجال*، ج ۳، ص ۲۲۹.

۵. امروزه، منطقه کش در تقسیمات جغرافیایی کشور ازبکستان قرار دارد و به نام شهر سبز خوانده می‌شود.

۶. موحد ابطحی، *تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال*، ج ۱، ص ۲۷۶.

شیخ طوسی، حسن را از یاران امام هادی علیه السلام به شمار آورده؛^۱ هرچند متأسفانه روایتی که بدون واسطه از این امام بزرگوار نقل کرده باشد، به دست نیامده است.

تالیفات

حسن بن خُرزّاد، دارای تالیفات و آثار فراوانی بوده است که در رهگذر زمان، از میان رفته است. نجاشی دو کتاب *اسماء رسول الله صلی الله علیه و آله* و *المُتعة* را از او می‌داند.^۲ از دیگر صحابی امام هادی علیه السلام می‌توان از ریان بن صلت اشعری و خراسانی بغدادی،^۳ عباس بن معروف قمی مولی جعفر بن عمران بن عبدالله اشعری،^۴ محمد بن الریان بن الصلت الاشعری ثقه^۵ و احمد بن ابی عبدالله برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق) نام برد که آنان از صحابی امام جواد علیه السلام یا امام عسکری علیه السلام نیز بودند. احمد بن ابی عبدالله محمد بن خالد برقی، از اصحاب امام جواد و امام هادی علیه السلام^۶ و از بزرگان علما، محدث، ثقه، فقیه و فاضل بود که در بسیاری علوم تبحر داشت. تالیفات او را حدود صد کتاب شمرده‌اند که مهم‌ترین آنها: *التهدیب، التاريخ، التراجم والتعاطف، البلدان، العلل، المحاسن و المعاشرة* می‌باشد.^۷ کتاب *المحاسن* او در آن روزگار، کتابی جامع علوم (دانشنامه) بوده است. در حال حاضر، یازده بخش از این کتاب به دست آمده است.^۸

۱. طوسی، رجال، ص ۴۱۳ و ۴۶۳.

۲. نجاشی، رجال، ص ۵۵.

۳. طوسی، رجال، ص ۳۸۶.

۴. همان، ص ۳۸۹.

۵. همان، ص ۳۹۱.

۶. نجاشی، رجال، ص ۵۶.

۷. عبدالحسین شبستری، *النور الهادی الی اصحاب الامام الهادی علیه السلام*، ص ۴۳ - ۴۴.

۸. رک: برقی، *المحاسن*، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجایی، قم، مجمع جهانی اهل بیت، ۱۴۱۳ق.

نتیجه

دوران امامت امام هادی علیه السلام به علت مصادف شدن با حاکمیت ترکان در بغداد و سخت گیری خلفای عباسی در خصوص شیعیان، دوره بسیار شکننده و غیرقابل تحملی بود. به همین علت، محل زندگی امام هادی علیه السلام نمی توانست مکانی برای رشد اندیشه های شیعه و توسعه تشیع باشد. امام هادی علیه السلام برای مقابله با اقدامات عباسیان، از روش ارشاد و تبلیغ استفاده کرد و به جای کشاندن شیعیان به سامرا و قراردادن آنان در تیرس عباسیان، اندیشه ناب خود را از طریق یاران و شاگردان خویش در مناطق مختلف رواج داد و برخی از شهرها از جمله قم، در این زمینه نقش سازنده ای را ایفا کرد و رسالت سامرا را به دوش کشید. با افول مدرسه حدیثی و کلامی کوفه، مدرسه قم در این دوره، یکی از ادوار رشد کلامی، حدیثی و فقهی خود را پشت سر می گذارد. با بررسی و موشکافی در فهرست میراث مکتوب و همچنین احادیث اصحاب قمی، در این دوره با روشنی زیادی مشخص می شود که شهر قم در این دوره، در حال دریافت میراث مکتوب و احادیث کوفه است. اصحاب قمی امام هادی علیه السلام با تربیت شاگردان و رساندن پیام و روایات امام به مناطق شیعه نشین و نیز مسافرت به جهان اسلام، در نشر معارف دین نقش داشتند. آنان علوم و معارف را از امام می گرفتند و در اختیار شیعیان و دوستداران علم قرار می دادند.

منابع

۱. ابن الغضائری، احمد بن الحسین بن عبیدالله، کتاب الضعفاء (رجال)، تحقیق سید محمدرضا حسینی جلالی، قم: دار الحدیث، ۱۴۲۲ق.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، التوحید، به کوشش هاشم حسینی، قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
۳. —، کتاب من لا یحضره الفقیه، به کوشش حسن موسوی خراسان، تهران: ۱۴۱۰ق.
۴. ابن حجر عسقلانی، احمد، لسان المیزان، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۵. ابن داود، حسن بن علی، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۴۲.
۶. ابن شهر آشوب، محمد، معالم العلماء، به کوشش محمدصادق بحر العلوم، نجف: ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.
۷. ابن طباطبا، منتقلة الطالبیة، تصحیح محمد مهدی خراسان، نجف: المطبعة الحیدریة، ۱۹۶۸م.
۸. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، بی جا: محقق، ۱۳۵۰.
۹. ارباب، محمد تقی بیگ، تاریخ دار الایمان قم، به کوشش حسین مدرس طباطبایی، قم: چاپخانه حکمت، ۱۳۵۳.
۱۰. اربلی، بهاء الدین، کشف الغمة فی معرفة الائمة، قم: چاپ علی فاضلی، ۱۴۲۶ق.
۱۱. اردبیلی، محمد بن علی الحائری، جامع الرواة، تهران: مطبعة شرکت چاپ رنگین، ۱۳۳۱ش.
۱۲. اشعری قمی، احمد بن محمد، النوادر، قم: مدرسه الإمام المهدي علیه السلام، ۱۳۶۶ش.
۱۳. بحر العلوم، محمد مهدی بن مرتضی، رجال السید بحر العلوم (الفوائد الرجالیة)، تهران: مکتبه الصادق علیه السلام، ۱۳۶۳ش.
۱۴. برقی، احمد، الرجال، همراه رجال ابن داود حلی، به کوشش جلال الدین محدث ارموی، تهران: ۱۳۴۲ش.
۱۵. —، المحاسن، تحقیق و تصحیح سید مهدی رجایی، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۱۳ق.

۱۶. بروجردی، حسین بن رضا، *بهجة الآمال فی شرح زیدة المقال*، شرح علی بن عبدالله علیاری تبریزی، تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور، ۱۳۷۱ش / ۱۴۱۲ق.
۱۷. بهبودی، محمدباقر، «علم رجال و مسئله توثیق»، کیهان فرهنگی، سال هشتم، ش ۸.
۱۸. تهرانی، شیخ آقابزرگ، *الدریعة إلى تصانیف الشیعة*، بیروت: در الأضواء، ۱۴۰۳ق.
۱۹. حاجی تقی، محمد، «سیر تاریخ فقها و محدثان قمی (۲)»، نامه قم، ش ۳ و ۴.
۲۰. —، «شجره علمی خاندان اشعری قم»، علوم حدیث، ش ۵.
۲۱. حلی، حسن، *خلاصة الأقوال فی معرفة الرجال*، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷ق و نجف: ۱۳۸۱ق / ۱۹۶۱م.
۲۲. حمیری، عبدالله، *قرب الإسناد*، قم: بی نا، ۱۴۱۳ق.
۲۳. خالقی، محمدهادی، «نخستین حوزه غنی و مستقل شیعه»، روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۱/۱۱/۲۴.
۲۴. خوانساری، سید محمدباقر، *روضات الجنات*، قم: اسماعیلیان، بی تا.
۲۵. خوبی، ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، بیروت: ۱۴۰۳ق.
۲۶. الشبستری، عبدالحسین، *النور الهادی إلى أصحاب الإمام الهادی*، قم: المكتبة التاریخية المختصة، ۱۴۲۱ق.
۲۷. شریف قرشی، باقر، *تحلیلی از زندگانی امام هادی (ع)*، ترجمه محمد رضا عطایی، مشهد: آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱ش.
۲۸. شوشتری، قاضی نورالله، *مجالس المؤمنین*، تهران: اسلامیة، ۱۳۷۷ش.
۲۹. شوشتری، محمدتقی، *قاموس الرجال*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، دوم، ۱۴۱۰ق.
۳۰. طوسی، محمد، *الإستبصار*، تهران: چاپ حسن موسوی خراسان، ۱۳۹۰ق.
۳۱. —، *الأمالی*، قم: بی نا، ۱۴۱۴ق.
۳۲. —، *تهذیب الأحكام*، تهران: چاپ حسن موسوی خراسان، ۱۳۹۰ق.

۳۳. —، رجال الطوسی، قم: چاپ جواد قیومی اصفهانی، ۱۴۱۵ق و به کوشش محمدصادق بحر العلوم، نجف: ۱۳۸۰ق / ۱۹۶۱م.
۳۴. —، فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول (الفهرست)، قم: چاپ عبدالعزیز طباطبایی، ۱۴۲۰ق.
۳۵. —، کتاب الغیبة، قم: چاپ عبادالله طهرانی و علی احمد ناصح، ۱۴۱۱ق.
۳۶. عطاردی، عزیزالله، مسند الإمام الهادی علیه السلام، المؤتمر العالمی للإمام الرضا علیه السلام، قم: ۱۴۱۰ق.
۳۷. فیروزآبادی، مجدالدین محمد، قاموس اللغة، تهران: دار الطباعة حاج ابراهیم تیریزی، ۱۳۰۴ش.
۳۸. فیض، عباس، گنجینه آثار قم، قم: چاپخانه مهر، ۱۳۵۰.
۳۹. قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی بن حسن بن عبدالملک قمی، به کوشش جلال الدین طهرانی، تهران: توس، ۱۳۶۱ش.
۴۰. کشی، محمد بن عمر، إختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد: دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ش و قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۴ق.
۴۱. کلینی، محمد، الکافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران: ۱۳۸۸ق.
۴۲. اللجنة العلمية فی مؤسسة ولی العصر، موسوعة الإمام الهادی، قم: مؤسسه ولی عصر علیه السلام، ۱۴۲۴ق.
۴۳. مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، چاپ سنگی در سه مجلد، به خط احمد زنجانی، تاریخ کتابت: ۱۳۴۸ق.
۴۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.
۴۵. معارف، مجید، پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴ش.

۴۶. موحد ابطحی، سید محمدعلی، تهذیب المقال فی تنقیح کتاب الرجال، قم: ناشر: فرزند مؤلف، ۱۴۱۲ق.

۴۷. مهاجر، شیخ جعفر، رجال الأشعریین من المحدثین وأصحاب الائمة، قم: مرکز العلوم والثقافة الإسلامية، ۱۴۲۹ق.

۴۸. مؤیدی، مجدالدین، لوامع الأنوار، نسخه عکسی موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران.

۴۹. نجاشی، ابوالعباس احمدبن علی، رجال النجاشی، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم: مؤسسه نشر اسلامی جامعه مدرسین ۱۴۰۷ق / ۱۳۶۵ش.

۵۰. نیومن، آندرو جی، دوره شکل گیری تشیع دوازده امامی؛ گفتمان حدیثی میان قم و بغداد، قم: شیعه شناسی، اول، ۱۳۸۶ش.

